

ناصر همتی که از کودکی شیفته هنر آینه کاری بود  
به توفیق خدمت در آستان رضا<sup>(ع)</sup> نائل شد

## ستاره چین حرم خورشید

مهدی عسکری وقتی صدای اذان در گنبد های طلایی می پیچد و زمزمه زائران میان رواق ها جاری می شود، انگار جهان در آغوش نوری آرام و بی انتها فرومی رود. در آن لحظه ها، هر گوشه حرم، شبیه تکه ای از آسمان است؛ آسمانی که ستاره هایش نه در دل شب، که بر صحن و سرای بارگاه منور رضوی می درخشند. ستاره هایی از جنس آینه؛ از جنس موسیقی بی نظیر خطوط هندسی که در سقف و دیوار حرم نواخته شده و با جادوی نیت هایی از جنس آینه های بُرش خورده، نوایی بی نظیر و آرامشی ملکوتی رابه ارتعاشات ذهن زائران هدایت می کند. در میان این همه شکوه، دستانی سال ها نیت نورانی بُرنند. کنار هم می نشانند و به دیوارهای حرم جان می دهند؛ دستانی استاد ناصر همتی، آینه کار اماکن متبرکه؛ مردی که انگار از کودکی، دلش در انعکاس نور گم شده بود. مردی آرام و فروتن که وقتی از آینه کاری سخن می گوید، انگار که از رازهای دلش پرده برمی دارد. برای او آینه فقط بشیبه ای براق نیست؛ قطعاتی از معمای آرامش است که در دل آستان ملکوتی امام رضا<sup>(ع)</sup> آرام و قرار می گیرد. استاد ناصر همتی، آینه کار اماکن متبرکه، که از نسل استادکاران این هنر اصیل ایرانی است، قصه این درخشش را از نگاه خود روایت می کند. او که برای انجام آینه کاری از تهران به مشهد آمده است، در زمان گفت و گو با ما، آخرین روزهای خدمتش در صحن و سرای امام راسپری می کرد.



بازگو کردن دارد یا اینکه تمام استادی اش رابه دستانش سپرد و زیاناش از بیان آنچه گذشته، آنچه در دل داشته و دارد آنچه با امام رضا<sup>(ع)</sup> گفته، عاجز است. لبخندی می زند و می گوید: ببخشید دیگر سخنران خوبی نیستم و نمی دانم چه کلماتی برای روزهایی که گذشت، بیان کنم که جان کلام باشد و بدانید که این روزها انگار از روزهای زندگی من نبوده است. نقش و نگارهای ماندگار جای جای حرم برای زائران و مجاوران زیباست. اما آینه کاری های بالای گنبد اصلی حرم، زیباترین قسمت آن است و ناصر بادل بستگی خاصی از آن یاد می کند. در این هفتاد روز کار در حرم، او حتی یک روز استراحت نداشته و در هر شبانه روز تنها حدود پنج ساعت خوابیده است. اما در حالی که معلوم است اهل شعار و تعارف نیست، با صفا و سادگی خاصی تأکید می کند که خستگی در این روزها اصلا برای او همکارانش معنایی ندارد. و این چیزی است که شاید برای خیلی ها قابل درک و لمس نباشد.

آینه کاری های استاد همتی، نه تنها در اماکن زیارتی مانند امامزاده داوود، امامزاده محمد، امامزاده حسن، امامزاده شفیع و رواق زنانه حرم نجف، بلکه در بخش هایی از حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز جلوه گر است. این نقوش هندسی، که زمانی، ذهن کودک را درگیر خود می کرد، اکنون در صحن و سرای خورشید، با عظمت و شکوهی وصف ناپذیر، جلوه می کند. هر قطعه آینه، هر نقش، هر ستاره و هر گل آینه ای، دعوتی است به تماشای زیبایی بیکران در حرم امن آقایی که امین و آرامش همه است.

این ها تجربه هایی بود که او را برای ورود به عرصه کارهای بزرگ آماده تر می کرد. طوری که حالا زیر و بم کار را آموخته است؛ آینه باید بین یک تایک و نیم میل باشد. خوشبختانه الان سی سال است که آینه هادر کارخانه ای در شهر ساوه تولید می شود اما در گذشته از آلمان و بلژیک و ترکیه می آمد.

### آقا طلبید و آرزوی اجابت شد

شاید یکی از افتخارات بزرگ هر استاد کاری، کار در حرم امام هشتم، حضرت رضا<sup>(ع)</sup> باشد. آرزویی که ناصر و پدرش نیز همیشه در دل داشتند. می گوید: آرزو داشتیم که در حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> کاری انجام بدهیم. و این آرزو، زمانی به حقیقت پیوست که طی تماس ناگهانی از سوی آستان قدس رضوی، او را به سمت انجام کاری «فوری و مهم» در حرم فراخواند؛ گفتند دوست داریم که بیایید و یک بخشی از کار را انجام بدهید. فورس ماژور هم هست. من هم گفتم برای من افتخاری است. پدر هم گفت تا امروز همه جا کار کرده ام، غیر از حرم امام رضا<sup>(ع)</sup>؛ و ما با وجود مشغله کاری، با عشق و افتخار بار سفر بستیم و برای رسیدن به مشهد بال در آوردیم.

در روزی که آقا ناصر همتی آمد و کار را دید، احساس عمیقی در دلش تکان خورد و پس از بررسی پروژه، یک به یک شماره ۱۰ نفر از همکارانش را گرفت و از آن ها برای کار در مشهد دعوت کرد. قرار و مدار هم این بود که پروژه در مدت سه ماه به پایان برسد. آن ها در قسمتی از حرم امام رضا<sup>(ع)</sup>، در محل اتصال رواق امیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> به رواق امام حسن<sup>(ع)</sup>، به آینه کاری مشغول هستند. اینکه لحظاتی کاری در حرم را چگونه می گذرانند، پرسشی است که استاد ناصر در پاسخ به آن می گوید: وقتی در حرم کار می کنم، همیشه در ذهنم دعا می کنم؛ چه برای آن هایی که دیگر در این دنیا نیستند و چه کسانی که زنده اند و حاجتی دارند. شامل مریض ها، جوانان و تمام کسانی که در دلم جا دارند.

### روزهایی که از زندگی من نبود...

مرور آنچه در این روزها گذشته است، شاید به زبان ساده باشد اما همتی برای اشاره به بخشی از این حال و احوال خوش، یا حیای

### شیفته نقوش هندسی

ناصر همتی پنجاه و یک ساله، زاده آستان مرکزی و ساکن تهران، در خانواده ای رشد کرده که هنر آینه کاری تار و پود زندگی شان بوده است. پدرش، حاج قنبرعلی، استادی بنام در این عرصه بود و در حرم حضرت عبدالعظیم<sup>(ع)</sup> و دیگر اماکن متبرکه و منازل، هنر خود را به نمایش گذاشته بود. ناصر از همان کودکی، شیفته نقوش های هندسی و تقارن های زیبایی شد که در کار پدر می دید؛ نقوش هشت سیلو، دوازده شمسه، هشت تند و چهار رنگه، همان هایی که ذهن خلاقش را در دوره راهنمایی درگیر کرده بود و گویی با درس های رسم ریاضی اش همخوانی داشت. همین کشش درونی، او را به سمت آموختن این هنر سوق داد؛ هر چند پدرش در ابتدا او را به ادامه تحصیل تشویق می کرد، حکایت او روایت دل بود و دلدادگی به این هنر.

### از اولین بریدگی ها تا اولین دستمزد

اولین تجربه مستقل ناصر در آینه کاری، در سنین جوانی و در دوران دبیرستان رقم خورد. بریده آینه های شکسته در خانه، تبدیل به اولین تابلوهای کوچک او شد. تابلویی که پس از بیست سال، به دنبال تخریب دیوار اتاقش، از میان رفت. اما همان تشویق پدر که «آفرین پسرم، یک چیزی می شوی!»، چراغ راهش شد. ورود به دنیای حرفه ای کار، از پانزده سالگی و در کنار پدر آغاز شد؛ اولین کار مشترک من و پدر، یک خانه و کار شخصی بود. خانه آقایی به نام حق شناس، سنم خیلی کم بود. پانزده ساله بودم و روز اول بیشتر تفریح کردم تا کار، اما عشق به هنر، او را در این مسیر نگه داشت. سال ۶۷ بود که اولین دستمزدش را گرفت و آن هزار تومان انعام از سوی آقای حق شناس، خاطرهای شیرین برایش شد.

### سفر آینه ها به نجف، کربلا و حرم نور

حاج قنبرعلی، پدر آقا ناصر، نه تنها در ایران، بلکه در اماکن متبرکه خارج از کشور نیز رد پای از هنر خود بر جای گذاشته است؛ «پدرم در نجف، حرم حضرت رقیه<sup>(س)</sup> و حضرت معصومه<sup>(س)</sup> و همچنین در کربلا کار کردند. در نجف با پدر حضور داشتم. هم فال بود هم تماشا. هم زیارت و عشق بازی، هم دستگیری در یک آزمون خیلی جدی.»



حاج قنبرعلی همتی در کارگاه آینه کاری حرم مطهر رضوی